



تأثیر معرفت نفس در رهایی از آفات خود فراموشی

هر که به کلی درصدد خودشناسی و ارزیابی ساختار روح و روان خود برنیاید و به تنظیم قوای خود نپردازد، به خطر «خودفراموشی» و «غفلت از خویشتن» مبتلا خواهد شد. در اهمیت خودشناسی همین بس که انسان را از آفات و خطرات «خودفراموشی» می‌رهاند...

هر که به کلی درصدد خودشناسی و ارزیابی ساختار روح و روان خود برنیاید و به تنظیم قوای خود نپردازد، به خطر خودفراموشی و غفلت از خویشتن مبتلا خواهد شد. در اهمیت خودشناسی همین بس که انسان را از آفات و خطرات خودفراموشی می‌رهاند.

نسیان نفس دو قسم است: 1. نسیان دون عقل متعارف: بر اثر فرورفتگی در لذت‌های زودگذر، خود برین و حقیقی را فراموش کند. 2. نسیان فوق عقل عادی: بر اثر استغراق در شهود الهی، خود متوسط یا نازل را از یاد برد. یعنی هم جاهل تبهکار، خود را فراموش می‌کند و هم عارف نازل به مقام فنا و غرق در دریای شهود حق؛ لیکن هلاک شونده گرفتار نسیان مذموم می‌شود و نائل به حیات معرفت، به تعبیر عرفا دارای نسیان ممدوح است. البته قدح و مدح نسیان به ویژگی منسی (فراموش شده) برمی‌گردد: نسیان خود عقلی، مذموم است و فراموشی خود نفسی، ممدوح. عارف، خود را فراموش می‌کند، چون براساس فایتما ثولوا فتم وجه الله (1) غیر خدا را نمی‌بیند؛ ولی انسان تبهکار براساس دلباختگی به محدوده ماده و طبیعت، خود را از یاد می‌برد، زیرا جز دنیا را نمی‌بیند. خدای سبحان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که از چنین افرادی اعراض کند: فأعرض عن من تولي عن ذكرنا ولم يرد إلا الحياة الدنيا. (2) مقام فناي عارفان دو قسم است: قسم یکم بیان شد و قسم دوم آن است که کسی به مقام فنا رسد و از فنا هم فانی شود و به مرحله بقای پس از فنا نایل آید. چنین شخصی، در عین استغراق در شهود الهی، خود را هم به یاد دارد و نسیان در این مقام صدق نمی‌کند، چون شهود خدایی که مع کل شیء لایمقارنه (3) است، حتماً با مشاهده خویشتن همراه است، پس خودشناسی، انسان را از خود فراموشی دون عقل متعارف رهانیده و زمینه خودفراموشی فوق عقل عادی را فراهم می‌کند.

1. سوره بقره، آیه 115.

2. سوره نجم، آیه 29.

3. نهج البلاغه، خطبه 1.

تفسیر انسان به انسان، ص 66-